

تحلیل کاربردشناختی «حاضر جوابی» در گفتمان صوفیه؛ مطالعه موردی آثار عطار نیشابوری

زینب اکبری^۱ / فرهاد ساسانی^۲

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ZAkbari@alzahra.ac.ir

۲. دانشیار رشته زبان‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

حاضر جوابی، به عنوان یک پدیده زبانی-فرهنگی، نقشی محوری در زبان عرفان دارد و به عنوان یک کنش مشترک تعاملی در نظام نوبت‌گیری مکالمه، ابزار مهمی برای به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی، مدیریت وجهه و انتقال پیام در گفتمان صوفیه محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) و با به کارگیری مدل چهاربعدی بیل و مولان (۲۰۱۳) که ابعاد «تعامل گوینده/هدف/مخاطب»، «سازوکارهای زبانی»، «کارکردهای کاربردشناختی» و «موقعیت تعاملی» را در بر می‌گیرد، به استخراج و تحلیل ۱۸۴ نمونه حاضر جوابی در مثنوی‌های عطار می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد در بُعد «تعامل گوینده/هدف/مخاطب»، بیشتر حاضر جوابی‌ها توسط گویندگان در جایگاه‌های اجتماعی فروتر ارائه شده و جهت‌گیری حاضر جوابی‌ها عمدتاً به صورت مخاطب‌محور بوده که سلسله‌مراتب اجتماعی نقش مهمی در تعیین کارکرد آن‌ها دارد. در بُعد «سازوکارهای زبانی»، ترکیب صنایع بلاغی سنتی و راهبردهای گفتمانی بر غنای بلاغی و چندلایگی حاضر جوابی‌ها در سطوح خرد و کلان معنایی دلالت دارد. تحلیل «کارکردهای کاربردشناختی» نشان می‌دهد که حاضر جوابی‌ها در دو جهت ساخت‌شکنی و تضعیف سلسله‌مراتب اجتماعی و حفظ و تقویت نظم موجود عمل کرده‌اند که بر کارکرد دوگانه این پدیده در نقد اجتماعی و حفظ انسجام گفتمانی تأکید دارد. در بُعد «موقعیت تعاملی» نیز غلبه حاضر جوابی‌های واکنشی، نشانگر ماهیت پاسخ‌محور و تأمل‌برانگیز این پدیده در گفتمان صوفیانه است.

کلیدواژه: حاضر جوابی، گفتمان صوفیه، کاربردشناسی تعاملی، بیل و مولان

A Pragmatic Analysis of 'Repartee' in Sufi Discourse: A Case Study of Attar Nishapuri's Works

Abstract

Repartee, as a linguistic-cultural phenomenon, occupies a central role in Sufi discourse, serving as a pivotal interactive act within conversational turn-taking. It functions as a strategic mechanism for challenging social norms, managing face, and conveying nuanced messages within Sufi contexts. This study employs a mixed-methods approach, utilizing Béal and Mullan's (2013) four-dimensional model—which comprises speaker/target/audience interplay, linguistic mechanisms, pragmatic functions, and interactional positioning—to systematically extract and analyze 184 instances of repartee from Attar's Mathnawī. Findings reveal that in the speaker/target/audience dimension, repartees are predominantly produced by socially subordinate speakers, with a marked listener-oriented focus. In the linguistic mechanisms dimension, repartees exhibit a sophisticated interplay of traditional rhetorical devices (e.g., puns, metaphors, and rhetorical reversals such as qalb al-matlab) and discursive strategies, including conceptual reframing and incongruity, thereby enhancing their aesthetic and semantic complexity. Analysis of pragmatic functions indicates a dual role, whereby repartees both disrupt existing social hierarchies and reinforce social order through tension mitigation and indirect communication. Finally, the interactional positioning dimension demonstrates the predominance of reactive repartees in generating dynamic exchanges. This research advances our understanding of repartee in classical Persian texts, offering novel insights for cross-cultural studies of humor and interaction. They offer a robust foundation for future scholarly inquiry.

Keywords: Repartee, Sufi Discourse, Interactional Pragmatics, Béal and Mullan

مطالعه تعاملات زبانی، یکی از ارکان پژوهش‌های کاربردشناختی-تعاملی^۱ است. هدف از تحلیل تعامل^۲، تعیین چگونگی رفتار مشارکت‌کنندگان در موقعیت‌های ارتباطی است. «حاضر جوابی» از این منظر، یک محصول مشترک تعاملی^۳ است که در آن گوینده با سرعت، دقت، ایجاز و خلاقیت، پاسخی هوشمندانه و اثرگذار به گفتار یا موقعیت پیشین ارائه می‌دهد که با آن، یک «جفت گفتار»^۴ را تشکیل می‌دهد و هدف از آن تقویت یا تغییر جریان تعامل است. ماهیت دوسویه و دیالکتیکی حاضر جوابی، توجه به هر دو جنبه تولید و دریافت را برای درک عمیق‌تر سازوکارهای تعاملی و کاربردشناختی آن ضروری می‌سازد. در سال‌های اخیر، علاقه فزاینده‌ای به بررسی ماهیت چندوجهی تبادلات هوشمندانه در بافت‌های گفتارانی مختلف به وجود آمده است، به طوری که پژوهشگران از طیفی از چارچوب‌های نظری و رویکردهای روش‌شناختی، از جمله کاربردشناسی، تحلیل گفتمان و تحلیل مکالمه استفاده می‌کنند. با این حال، در مطالعات زبانی فارسی و طور خاص، سنت غنی ادبیات صوفیانه، حاضر جوابی همچنان به طور شایسته مورد بررسی قرار نگرفته است. این خلأ پژوهشی به‌ویژه از آن جهت برجسته است که در گفتمان عرفانی، حاضر جوابی‌ها، دوئل‌های کلامی و بازی‌های زبانی، هم‌زمان یک «کنش زبانی» و «راهبرد تعاملی» محسوب می‌شوند و نقشی محوری در پیکار معنایی، تعلیمی و اقناعی گفتگو، به چالش کشیدن خرد متعارف، مشارکت در گفتگوهای تحول‌آفرین، تعامل فکری و نقد اجتماعی ایفا می‌کنند.

پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف، به تحلیل کاربردشناختی حاضر جوابی در گفتمان صوفیانه، با تمرکز بر آثار عطار نیشابوری، می‌پردازد. این مطالعه با رویکردی ترکیبی (کیفی-کمی) و با استفاده از مدل چهاربعدی بیل و مولان^۵ (۲۰۱۳) تلاش می‌کند فهمی عمیق‌تر از این پدیده در بستر گفتمان عرفانی ارائه دهد و همسو با ابعاد چهارگانه این مدل به دنبال پاسخگویی به چهار سؤال زیر است:

- ۱) «تعامل گوینده/هدف/مخاطب» در حاضر جوابی‌های عطار چگونه شکل می‌گیرد؟
- ۲) کدام «ابزارهای زبانی» و «راهبردهای گفتمانی» در ساخت حاضر جوابی‌های آثار عطار به کار رفته‌اند؟
- ۳) حاضر جوابی‌های موجود در آثار عطار چه «کارکردهای کاربردشناختی» دارند؟
- ۴) «ساختار تعاملی» حاضر جوابی‌ها در گفتمان صوفیانه عطار چگونه تبیین می‌شود؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها در این حوزه را می‌توان در دو جریان اصلی طبقه‌بندی کرد: الف) رویکردهای بلاغی-ادبی: این دسته از پژوهش‌ها عمدتاً بر تحلیل ساختاری و زیبایی‌شناختی حاضر جوابی در بلاغت اسلامی تمرکز دارند. مطالعات حاضر جوابی در ادبیات عربی، به عنوان یک نوع ادبی مستقل موسوم به «الأجوبه المسکتة»، از قرن سوم هجری مورد توجه قرار گرفت و در سه زمینه اصلی گسترش یافت: تألیف آثار مستقل (کتاب/الأجوبه/المسکتة اثر ابن ابی عون (متوفی ۳۲۲ هـ.ق.))،

1. interactional-pragmatic research

۲. interaction analysis

۳. joint interactional product

۴. adjacency pair

۵. Béal & Mullan

ذکر نمونه‌ها در آثار ادبی و بلاغی (زمخشری در ربيع الأبرار ونصوص الأخبار و ابن الجوزی در أخبار الأذکیاء)، و نظریه‌پردازی ساختاریافته (ابن عبد ربه اندلسی در العقد الفرید). این پدیده زبانی که در محیط‌های مناظره‌ای و جدلی کاربرد داشت، با ویژگی‌های برجسته‌ای چون سرعت و بداهه، ایجاز، حسن بیان و قدرت افحام خصم شناخته می‌شود (ابن عبد ربه، ۱۹۶۵: ۵۳/۴). ابن عبد ربه اندلسی (متوفی ۳۲۷ هـ.ق.) اولین نظریه‌پرداز این حوزه، حاضر جوابی را به عنوان یکی از اشکال پیچیده بیان در بلاغت عربی معرفی کرده و آن را به نبرد کلامی تشبیه نموده است. زمخشری (۱۹۹۲، ۴۷/۲) و ابن الجوزی (۲۰۰۳: ۱۷۵) نیز در آثار خود به جمع‌آوری و تحلیل نمونه‌های برجسته حاضر جوابی پرداخته‌اند. این نوع ادبی، علاوه بر جنبه‌های زیبایی شناختی، کارکردهای اجتماعی و روانی مهمی در گفتمان‌های سیاسی و فرهنگی دوره عباسی ایفا می‌کرد.

در پژوهش‌های دانشگاهی جدید عربی نیز این نوع مطالعات غلبه دارد. به عنوان مثال قدوری (۲۰۱۸) با بررسی آثار منتقدانی چون جاحظ، ابن عبد ربه، ابن ابی عون و المرتضی، به تحلیل ویژگی‌های بلاغی این ژانر و جایگاه آن در نقد ادبی عربی می‌پردازد. محمد عبد الله قاسم (۲۰۱۷) رویکردی طبقه‌بندی‌محور اتخاذ کرده و با تقسیم‌بندی حاضر جوابی‌ها بر اساس گویندگان آن‌ها (شعرا، مجانین، اعراب و غیره)، نمونه‌های متعددی را ارائه داده است. فاعور (۲۰۱۴) نیز به برشمردن نمونه‌هایی از کاربرست برخی صنایع بلاغی در حاضر جوابی‌ها پرداخته است.

حاضر جوابی در ادبیات فارسی، برخلاف سنت عربی، به عنوان یک نوع ادبی مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. با این حال، نمونه‌های آن را می‌توان در سه زمینه اصلی یافت: در متون ادبی غیرطنز مانند مناظرات و متون عرفانی و منظومه‌های غنایی، در آثار طنزآمیز مانند لطایف الطوایف فخرالدین علی صفی (صفی، ۱۳۳۶: ۱۳۱) و جوامع الحکایات عوفی، و در مطاوی آثار بلاغی ذیل صنایعی چون «سؤال و جواب» و «اسلوب حکیم» (کزازی، ۱۳۷۴: ۱۵۵؛ مازندرانی، ۱۳۷۶: ۳۵۰). در حوزه زبان فارسی، مطالعات مستقل در زمینه حاضر جوابی بسیار محدود است. جعفریان (۱۳۹۸) به معرفی و انتشار متنی از عباسقلی خان سپهر پرداخته که مجموعه‌ای از حاضر جوابی‌ها از متون کهن تا دوره معاصر مؤلف را در بر می‌گیرد ولی فاقد تحلیل نظری است.

ب) رویکردهای زبان‌شناختی-کاربردشناختی: این جریان پژوهشی، حاضر جوابی را در چارچوب نظریه‌های طنز مکالمه‌ای و کاربردشناسی زبان مورد مطالعه قرار می‌دهد. حاضر جوابی در زبان انگلیسی عمدتاً ذیل مفهوم گسترده‌تر «طنز مکالمه‌ای»^۱ بررسی می‌شود. داینل (Dyrel, 2009) با رویکردی جامع به انواع طنز مکالمه‌ای، حاضر جوابی را به عنوان یکی از زیرشاخه‌های مهم این نوع طنز معرفی می‌کند که در طیف وسیعی از تعاملات اجتماعی، از مواجهات خصمانه تا شوخی‌های دوستانه، کاربرد دارد. در کنار مطالعات آکادمیک، آثاری با رویکرد توصیفی نیز در این حوزه منتشر شده است. کتاب Viva la Repartee تألیف ماردی گروت (Grothe, 2005) با گردآوری بیش از ۶۰۰ نمونه حاضر جوابی از شخصیت‌های تاریخی، تلاشی ارزشمند در جهت بررسی ساختار و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی این پدیده زبانی است.

۱. Conversational Humour

علی‌رغم مطالعات گسترده در زمینه حاضر جوابی در ادبیات عربی و انگلیسی، خلأ قابل توجهی در بررسی این پدیده در متون فارسی، به‌ویژه در آثار عرفانی، وجود دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر آثار عطار نیشابوری و با استفاده از مدل چهار بعدی بیل و مولان (۲۰۱۳)، به دنبال پر کردن این شکاف پژوهشی است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. مدل چهار بعدی کریستین بیل و کری مولان (۲۰۱۳): رویکردی چندوجهی به حاضر جوابی

مدل چهار بعدی بیل و مولان (۲۰۱۳) چارچوبی جامع برای تحلیل حاضر جوابی ارائه می‌دهد. این مدل، برخلاف رویکردهای پیشین که عمدتاً بر نمونه‌های منفرد یا سازوکارهای زبانی خاص تمرکز داشتند، با تحلیل همزمان چهار بُعد اصلی، امکان بررسی چندلایه‌ای این پدیده را فراهم می‌آورد. این ابعاد عبارت‌اند از:

۳-۱-۱. تعامل گوینده/هدف/شنونده^۱

موقعیتی را که در آن یک حاضر جوابی رخ می‌دهد، می‌توان در قالب یک «چارچوب مشارکت»^۲ توصیف کرد (Goffman, 1981: 100) که شامل سه عنصر گوینده، شنونده و هدف است. بعد اول از مدل چهار بعدی بیل و مولان به دو مسأله می‌پردازد: ۱) «جهت‌گیری» حاضر جوابی؛ ۲) «نقش‌های اجتماعی» طرفین حاضر جوابی؛ یعنی رابطه سلسله مراتبی بین گوینده و شنونده (برابر، فروتر یا فراتر) و ماهیت طرفین (انسان، حیوان یا شیء). جهت‌گیری حاضر جوابی به این معناست که حاضر جوابی از میان گوینده، مخاطب، یا موضوع گفتگو متوجه کدام یک از طرفین تعامل است. در این چارچوب، حاضر جوابی می‌تواند به سه نوع اصلی تقسیم شود (Béal & Mullan, 2017: 6): الف) «حاضر جوابی گوینده‌محور»: در این نوع، هدف گوینده است و اغلب به شکل خودانتقادی هو شمندانه یا خودافشایی بروز می‌یابد. این نوع حاضر جوابی می‌تواند کارکردهای متنوعی از جمله مدیریت وجهه و ایجاد صمیمیت را داشته باشد؛ ب) «حاضر جوابی مخاطب‌محور»: در اینجا، هدف مستقیماً مخاطب است و می‌تواند به عنوان ابزاری برای مدیریت روابط بینافردی عمل کند. این نوع حاضر جوابی ممکن است شامل تمسخر یا انتقاد باشد؛ ج) «حاضر جوابی موضوع‌محور»: این نوع حاضر جوابی به یک فرد یا موجودیت غایب اشاره دارد و معمولاً برای ایجاد همبستگی بین گوینده و شنونده از طریق انتقاد مشترک یا بحث درباره «دیگری» استفاده می‌شود.

«نقش‌های اجتماعی» در حاضر جوابی‌ها تأثیر بسزایی دارند در تحلیل تعامل گوینده/هدف/مخاطب، توجه به جایگاه اجتماعی هر یک از طرفین ضروری است. این جایگاه می‌تواند «برابر»، «فروتر» یا «فراتر» باشد و همچنین ممکن است گوینده یا شنونده «جاندار» از جمله انسان و حیوان یا «غیرجاندار» باشد.

۳-۱-۲. بعد زبانی^۳

۱ . Speaker/Target/Recipient Interplay

۲ . participation framework

۳ . The language dimension

بعد زبانی در حاضر جوابی به عنوان یکی از ابعاد کلیدی تعاملات اجتماعی، توسط تحلیل گران مختلف به عنوان «سازوکارهای زبانی»^۱، «منابع زبانی»^۲ شناخته می شود (Béal & Mullan, 2017:4). در این راستا، حاضر جوابی به عنوان یک کنش زبانی، به کارگیری ابزارهای مختلفی را می طلبد که می توان آنها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد: الف) «ابزارهای زبانی» که بر بازی با عناصر زبانی در سطح واژگان و ساختارهای نحوی متکی هستند و شامل «صنایع بلاغی» همچون جناس، استعاره و کنایه می شود که با هدف ایجاد زیبایی و تأثیر بلاغی از طریق بازی با فرم زبانی به کار گرفته می شود؛ ب) «راهبردهای گفتمانی»^۳ که بر سطح کلان تر معنا و کارکرد زبان در بافت تمرکز دارند. این دسته شامل سازوکارهایی چون «ناهمخوانی»^۴، «کج فهمی عمدی»^۵ و «چرخش چارچوب مفهومی»^۶ است که به جای بازی با شکل زبان، بر دستکاری معنا و انتظارات شناختی مخاطب تأکید دارند (Holmes & Marra, 2002:79). هدف این راهبردها، ایجاد اثرات کاربردشناختی و تغییر در درک و تفسیر مخاطب است.

۳-۱-۳. کارکردهای کاربردشناختی^۷

در مدل چهاربعدی بیل و مولان، بعد سوم به کارکردهای کاربردشناختی طنز، به ویژه در تعاملات گفتاری، اختصاص دارد و بر این نکته تأکید می کند که طنز چگونه به اهداف مختلف بین فردی و اجتماعی دست می یابد (Béal & Mullan, 2013: 126-128). حاضر جوابی می توان برای دستیابی به اهداف متنوعی از جمله مدیریت روابط اجتماعی، تسهیل ارتباط، حفظ یا برهم زدن نظم اجتماعی و حتی مقابله با شرایط دشوار مورد استفاده قرار گیرد (Kotthoff, 2009: 179). تحلیل این بعد در گفتمان صوفیانه که اغلب حاوی پیام های فلسفی و اخلاقی عمیق است، ابزاری مؤثر برای بررسی لایه های معنایی پنهان و مدیریت تعاملات اجتماعی فراهم می کند. بر اساس داده های موجود و چارچوب بیل و مولان، کارکردهای حاضر جوابی را می توان در دو دسته اصلی طبقه بندی کرد:

۱) **حفظ و تقویت نظم موجود:** این دسته شامل عملکردهایی است که به ایجاد، حفظ یا تقویت روابط اجتماعی و نظم موجود کمک می کنند (Attardo, 1994: 322-329):

- کاهش تنش و مدیریت تعارض: پاسخ های حاضر جوابانه اغلب برای خنثی کردن موقعیت های تهدیدآمیز یا کاهش تنش های موجود در تعاملات به کار می روند. برای مثال، در مواردی که یک پرسش یا انتقاد بالقوه تهدیدکننده وجهه^۸ مطرح می شود، گوینده می تواند با یک پاسخ طنزآمیز تهدید را خنثی کرده و تعامل را ادامه دهد (Norrick, 2003: 1345).

۱ . linguistic mechanisms

۲ . linguistic resources

۳ . discursive strategies

۴ . incongruity

۵ . intentional misunderstanding

۶ . frame-shifting

۷ . The pragmatic functions

۸ . face-threatening

- انتقال پیام‌های جدی با زبانی غیرمستقیم: حاضر جوابی به عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های صریح یا حساس به کار می‌رود، به گونه‌ای که از مقاومت مخاطب کاسته شود (Goddard, 2009: 41).

۲) **ساخت شکنی و تغییر نظم موجود:** این دسته شامل عملکردهایی است که به چالش کشیدن یا برهم زدن نظم اجتماعی موجود می‌پردازند:

- برهم زدن سلسله مراتب اجتماعی: حاضر جوابی می‌تواند برای زیر سؤال بردن اقتدار اجتماعی یا دنیوی مورد استفاده قرار گیرد (Attardo, 1994; Holmes, 2000).
- اعمال قدرت در تعاملات: حاضر جوابی، می‌تواند به عنوان ابزاری برای بازتعریف قدرت در تعاملات اجتماعی به کار رود. این عملکرد در بافت‌های حرفه‌ای یا سلسله‌مراتبی، برای نقد یا کنترل دیگران، یا حتی مقابله با قدرت بالادستی دیده می‌شود (Holmes & Marra, 2002).
- نقد و اصلاح رفتار اجتماعی: پاسخ‌های طنزآمیز که به صورت زیرکانه رفتارهای ناهنجار را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند به عنوان ابزاری برای اصلاح اجتماعی به کار روند (Goddard, 2009).

۴-۱-۳. بعد تعاملی^۱

بعد تعاملی، حاضر جوابی را از منظر موقعیت و نقش آن در سیستم نوبت‌گیری تحلیل می‌کند (Attardo, 1994: 293-319). این بعد، به طور ویژه بر پویایی تعاملات زبانی و نحوه مشارکت گویندگان در گسترش و توسعه حاضر جوابی طی چند نوبت تمرکز دارد. این بعد به ما امکان می‌دهد تا سازوکارهای تعاملی و نقش نوبت‌گیری (turn-taking) را در تحقق حاضر جوابی بررسی کنیم که در سه دسته قابل بررسی است (Béal & Mullan, 2013:125): ۱) **حاضر جوابی به عنوان پاسخ به نوبت قبلی:** در این حالت، حاضر جوابی به عنوان واکنش مستقیم به نوبت پیشین مطرح می‌شود و اغلب در نوبت دوم یک جفت گفتار رخ می‌دهد و با شکستن استدلال گوینده اول، برتری کلامی گوینده دوم را نشان می‌دهد. نمونه‌های کلاسیک این حالت شامل پاسخ‌های دندان شکن^۲ است که در سنت بلاغت اسلامی بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است؛ ۲) **حاضر جوابی در نوبت اول و واکنش‌های متعاقب:** در این نوع، حاضر جوابی در ابتدای یک تبادل گفتگویی آغاز می‌شود و به واکنش‌های بعدی در نوبت‌های بعدی منجر می‌شود. در گفتار صوفیانه، این نوع حاضر جوابی اغلب در قالب واکنش به بافت موقعیتی رخ می‌دهد و مخاطبان را به واکنش‌هایی نظیر همدردی یا تأمل عمیق دعوت می‌کند؛ ۳) **حاضر جوابی با ساخت توالی‌های مشارکتی کامل:** این نوع شامل تعاملات پیچیده‌تری است که در آن دو گوینده به طور پیوسته به توسعه حاضر جوابی می‌پردازند (Hay, 2001:69).

۴. بحث و بررسی

در این پژوهش، تحلیل داده‌ها بر اساس مدل چهاربعدی بیل و مولان بر روی ۱۸۴ مورد حاضر جوابی استخراج شده از آثار منظوم و منثور عطار نیشابوری انجام شد. این نمونه‌ها پس از مطالعه دقیق تمامی آثار وی و استخراج حاضر جوابی‌ها، وارد نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA ۲۰۲۰ شدند تا برای پردازش بیشتر و کدگذاری سیستماتیک آماده شوند.

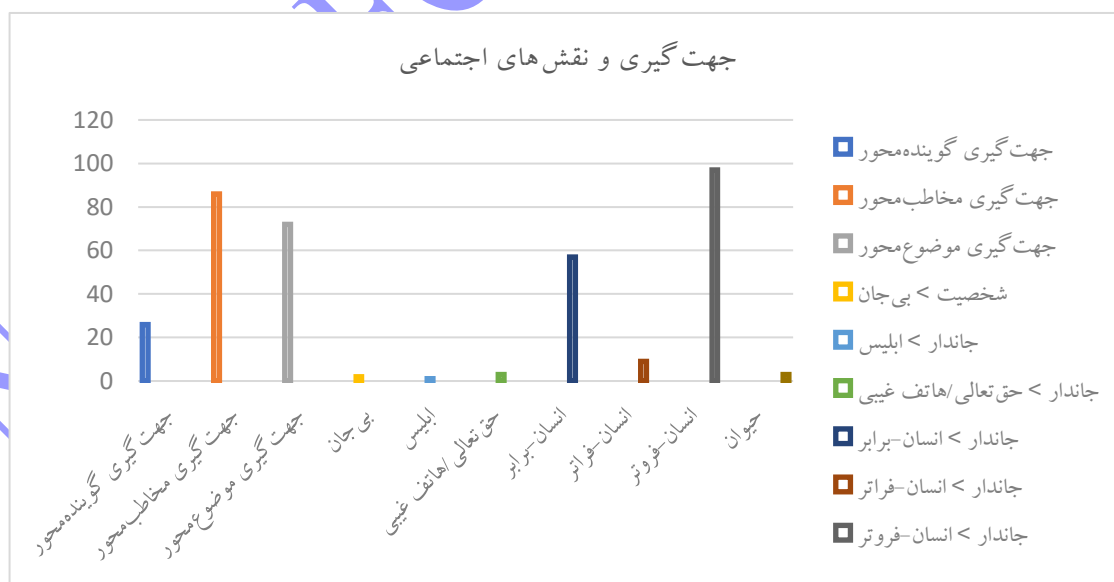
۱ . The interactional dimension

۲ . retorts

فرآیند کدگذاری در چهار مرحله انجام گرفت؛ هر مرحله به یکی از ابعاد مدل اختصاص داشت: «جهت‌گیری و نقش اجتماعی»، «ابزارهای زبانی»، «کارکردهای کاربردشناختی» و «موقعیت تعاملی». تحلیل داده‌ها توسط پژوهشگران به تفکیک هر بعد انجام شد و در نهایت، یافته‌ها به کمک نمودارها و جداول از نرم‌افزار استخراج و به صورت بصری ارائه شد تا تحلیل کاربردشناختی جامعی از حاضر جوابی در آثار عطار به روشنی نمایش داده شود.

۴-۱. تعامل گوینده/هدف/شنونده در حاضر جوابی‌ها

بعد اول مدل چهاربعدی بیل و مولان، بر دو جنبه کلیدی در تحلیل حاضر جوابی‌ها تمرکز دارد: «جهت‌گیری»^۱ که مشخص می‌کند حاضر جوابی معطوف به چه هدفی است (گوینده، شنونده یا موضوع) و «نقش‌های اجتماعی مشارکان» که به بررسی سلسله‌مراتب اجتماعی و ماهیت افراد درگیر در تعامل می‌پردازد. تحلیل جهت‌گیری حاضر جوابی‌ها بر اساس سه محور اصلی انجام شده است: شنونده‌محور، موضوع‌محور و گوینده‌محور. داده‌ها نشان‌دهنده الگوهای مشخصی در نحوه معطوف شدن حاضر جوابی‌ها به این سه محور هستند که هر کدام با بافت معنایی و اجتماعی خاص خود مرتبط‌اند. همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین درصد حاضر جوابی‌ها (۴۷٪) معطوف به مخاطب است. این الگو نشان می‌دهد که حاضر جوابی‌ها در متون عرفانی عطار اغلب به‌عنوان ابزاری برای مواجهه مستقیم با شنونده و نقد اجتماعی یا اخلاقی به کار می‌روند. در مقابل، حاضر جوابی‌های موضوع‌محور (۳۹٪) اغلب دارای ماهیت تعلیمی هستند و به موضوع مکالمه معطوف‌اند. همچنین، حاضر جوابی‌های گوینده‌محور (۱۴٪) که با خودتحقیری یا طنز همراه‌اند، نشان‌دهنده استفاده از این پدیده به‌عنوان ابزاری برای ابراز تواضع در گفتمان عرفانی است.



نمودار ۱. توزیع فراوانی جهت‌گیری و نقش‌های اجتماعی در حاضر جوابی‌ها

^۱. Orientation

(۱) **حاضر جوابی‌های مخاطب‌محور:** بیشترین تعداد حاضر جوابی‌ها (۸۶ نمونه، معادل ۴۷ درصد) به‌طور مستقیم شنونده را هدف قرار می‌دهند. این نوع حاضر جوابی‌ها، که غالباً در پاسخ به نوبت قبلی مخاطب گفته می‌شوند، اغلب به‌عنوان یک کنش تهدید کننده وجهه شنونده عمل می‌کنند (Brown & Levinson, 1987). نمونه‌ای برجسته از این نوع در حکایتی از الهی‌نامه آمده است که در آن درویشی با حاضر جوابی طعنه‌آمیز، تمسخر سلطان محمود غزنوی را پاسخ می‌دهد و از این طریق، جایگاه قدرت را معکوس می‌کند. این الگوها نشان می‌دهند که حاضر جوابی‌های شنونده‌محور در تعاملات عرفانی، اغلب ابزاری برای نقد قدرت و ساختارشکنی سلسله‌مراتب اجتماعی هستند:

مگر محمود می‌شد با سپاهی	رسیدش پیش درویشی ز راهی
سلامی گفت شاه او را دران دشت	علیکش گفت آن درویش و بگذشت
به لشکر گفت شاه پاک‌عنصر	«ببینید آن گدا با آن تکبر»
بدو درویش گفت «ار هوشمندی	گدایی چون تویی بر من چه بندی؟
که در صد شهر و ده افزون رسیدم	به هر مسجد گدایی تو دیدم
چه جو جو نیم جو بر هر سرایی	نوشتند از پی چون تو گدایی
ندیدم هیچ بازار و دکانی	که از ظلمت نبود آنجا فغانی
کنون گر بینش چشم تمام است	ز ما هر دو گدا بنگر کدام است؟

(عطار، ۱۳۸۷: ۳۱۲)

(۲) **حاضر جوابی‌های موضوع‌محور:** ۷۲ نمونه (۳۹ درصد) از داده‌ها نشان می‌دهند که حاضر جوابی‌ها معطوف به موضوع گفتگو هستند و نه به شخص خاصی. این نوع حاضر جوابی‌ها، از نظر کارکرد تعلیمی مورد توجه هستند. به‌طور مثال در حاضر جوابی زیر، جهت‌گیری سقراط به سوی گوینده و به قصد منکوب کردن وی نیست بلکه موضوع مکالمه یعنی «درخواست علما از ملوک» را هدف قرار می‌دهد:

گفت: سقراط حکیم آن مرد پاک	در رهی می‌شد، پیاده، دردناک
سائلی گفتش «ملوک روزگار	جمله می‌جویندت و تو بر کنار،

معتقد داری، بسی، اسبی بخواه

تا پیاده رفتنت نبود به راه»

گفت: «هم بر پای من بار تنم

به که بار منّتی بر گردنم»

(عطار، ۱۳۸۶: ۱۵۴)

در نمونه‌ای دیگر یحیی بن معاذ رازی (م ۲۵۸ق) هنگام عبور از دهی زیبا، تعریف یکی از همراهانش درباره سرسبزی و خوش آب و هوایی آن ده را بهانه‌ای قرار می‌دهد تا با حاضر جوابی بگوید: «خوش تر از این ده دل مردی فارغ از دهی چنین خوش است»:

مگر یحیی المعاذ آن مرد محرم	به راهی بر دهی بگذشت خرم
یکی گفتش که «هست این ده‌دهی خوش»	زبان بگشاد یحیی همچو آتش
ک «زین خوش تر دل مردی ست بالغ	که هست او از دهی خوش سخت فارغ»

(عطار، ۱۳۸۷: ۳۵۴)

۳) حاضر جوابی‌های گوینده‌محور: ۲۶ نمونه (۱۴ درصد) از حاضر جوابی‌ها به خود گوینده معطوف‌اند و گاه در قالب نوعی بذله‌گویی که حاوی خودتحقیری یا ابراز فروتنی است ظاهر می‌شوند. به طور مثال وقتی زنی، مالک بن دینار را با لحن تندی خطاب قرار می‌دهد که «ای مرائی!» (متظاهر و سالوس) وی با حاضر جوابی می‌گوید: «بیست سال است تا کسی مرا به نام نخوانده است. تو نیک دانستی که من کیم» (عطار، ۱۳۹۸: ۴۷) یا در حکایتی دیگر وقتی دوست عطار، دارایی و درآمد بزرگی را به رخ عطار می‌کشانند که از راه گرفتن جزیه از یهودیان فراهم آمده، عطار با حاضر جوابی می‌گوید من چنین ترفندی برای امرار معاش نمی‌دانم اما می‌دانم آنچنان ننگ مسلمانی کردن هستم که به جای جزیه گرفتن از یهودیان، صد یهودی باید از من جزیه بگیرند:

رفیقی گفت با من ک «ان فلاتی	حلالی می خورد قوت جهانی
که جزیت از جهودان می ستانند	وز آنجا می‌خورد، به زین که داند
بدو گفتم که «من این می ندانم	من آن دانم که من ننگ جهانم
که باید صد جهود بس پریشان	که تا خواهند از من جزیت ایشان»

(عطار، ۱۳۸۷: ۲۸۷)

بعد از بررسی جهت گیری حاضر جوابی‌ها، بررسی «سلسله مراتب اجتماعی» و «ماهیت وجودی مشارکان» (انسانی، حیوانی یا اشیاء بی جان)، نقش مهمی در روشن شدن ابعاد کاربردشناختی این پدیده در عرفان دارد. از منظر سلسله مراتب اجتماعی، فرد حاضر جواب نسبت به مخاطبش ممکن است سه وضعیت داشته باشد:

گویندگان فرود ست: بیش از نیمی از حاضر جوابی‌ها (۹۷ نمونه) توسط گویندگانی در جایگاه اجتماعی فروتر بیان شده‌اند. این گروه شامل بردگان، مجانین و افرادی با مشاغل انگ‌خورده (مانند حمال، کناس، کفن‌دزد) است که از نظر اجتماعی در حاشیه قرار دارند. در نمونه‌ای از تذکره‌الاولیا حاضر جوابی چهارتن از این فرودستان موجب تأثر و شگفتی حسن بصری و دستاویزی برای القای مفاهیم اخلاقی-عرفانی می‌شود. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که حاضر جوابی ابزاری برای مقاومت اجتماعی و زبانی است که افراد فرودست از آن برای بازیابی قدرت نمادین خود استفاده می‌کنند:

حسن گفت: «از سخن چهار کس عجب داشتم: **کودکی و مخشی و مستی و زنی**». گفتند: «چگونه؟»
گفت: «روزی جامه فراهم می‌گرفتم از مخشی که بر او می‌گذشتم. گفت: ای خواجه! حال ما هنوز پیدا نشده است تو جامه از من فراهم مگیر، که کارها در ثانی الحال خدای داند که چون شود. و مستی دیدم که در میان وحل می‌رفت، افتان خیزان، فقلت له: ثَبِّتْ قدمک یا مسکین، حَتَّى لَا تَزَلْ - قدم ثابت دار ای مسکین تا نیفتی -
گفت: تو قدم ثابت کرده‌ای با این همه دعوی؟ من اگر بیستم مستی باشم به گل آلوده، برخیزم و بشویم، این سهل باشد. اما از افتادن خود بترس. این سخن عظیم در من اثر کرد. و کودکی وقتی چراغی می‌برد. گفتم: از کجا آورده‌ای این روشنایی؟ بادی در چراغ دمید و گفت: بگو تا به کجا رفت این روشنایی؟ تا من بگویم که از کجا آورده‌ام. و عورتی دیدم، روی برهنه و هر دو دست برهنه، با جمالی عظیم، در حالت خشم از شوهر خود با من شکایتی می‌کرد. گفتم: اول روی بپوش. گفت: من از دوستی مخلوق چنانم که عقل از من زایل شده است و اگر مرا خبر نمی‌کردی، همچنین به بازار فرو خواستم شد. تو با این همه دعوی در دوستی او، چه بودی اگر نپوشیدگی روی من ندیدی؟ مرا این نیز عجب آمد» (عطار، ۱۳۹۸: ۲۹).

گویندگان برابر: ۵۷ نمونه (۳۹ در صد) به تبادلات میان گویندگانی با جایگاه اجتماعی برابر تعلق دارد. در این موارد، حاضر جوابی‌ها معمولاً به عنوان ابزاری برای تغییر منظر مخاطب به کار می‌رود. گفتگوی میان شیخ ابوالحسن خرقانی و عمر بو العباسان از این جمله است که «نقل است که عمر بو العباسان شیخ را گفت: بیا تا هر دو دست یکدیگر گیریم و از زیر این درخت بجهیم» - و آن درختی بود که هزار گوسفند در سایه او بخفتی - شیخ گفت: «بیا تا هر دو دست لطف حق گیریم و بالای هر دو عالم بجهیم که نه به بهشت التفات کنیم و نه به دوزخ» (عطار، ۱۳۹۸: ۷۱۹). یا در موردی دیگر وقتی شبلی نزد جنید می‌رود و چون او را اندوهگین می‌بیند، علت را می‌پرسد. جنید می‌گوید: «من طلب وجد [هر که طلب کند، یابد]». شبلی با حاضر جوابی پاسخ می‌دهد: «لا، بل من وجد طلب [نه هر که یابد، طلب کند]» (عطار، ۱۳۹۸: ۶۶۷).

گویندگان فراد ست: تنها ۲۲ نمونه (۱۲ درصد) از حاضر جوابی‌ها توسط گویندگانی در جایگاه اجتماعی بالاتر از مخاطب بیان شده‌اند. این موارد بیشتر جنبه آموزشی یا اصلاحی دارند و در مکالمات میان استاد و شاگرد یا عارف و نادان دیده می‌شوند. چنانکه وقتی جاهلی احنف بن قیس را که در حلم، ضرب‌المثل بوده، تهدید می‌کند که هر سخن تو را با ده ناسزا پاسخ می‌دهم، احنف با حاضر جوابی می‌گوید که من یک پاسخ هم به ده ناسزای تو نخواهم داد:

جاهلی می‌گفت احنف را «متاب! گر یکی گویی تو، ده گویم جواب»

احنفش گفتا «تو گر گویی دهم من یکی با تو نگویم، این بهم»

(عطار، ۱۳۸۶: ۲۸۴)

از نظر «ماهیت مشارکان» حدود ۹۸ درصد از حاضر جوابی‌ها از زبان موجودات جاندار همچون انسان، ابلیس یا هاتف غیبی/حق تعالی گفته شده‌اند، اما تعداد ۵ نمونه (۲ درصد) شامل حاضر جوابی‌های است که یکی از طرفین یا هر دو طرف حیوان یا شیئی بی جان است. برای مثال، در مکالمه میان «باز» و «مرغ خانگی» در الهی‌نامه وقتی باز با تبختر وفاداری خود را دربرخورد با انسان‌ها به رخ می کشد و مرغ خانگی را به خاطر گریزان بودن از آدمیان سرزنش و او را به بی وفایی متهم می کند، مرغ خانگی با حاضر جوابی می گوید:

نیابی گشته باز سرنگون سار

اگر روزی گذر یابی به بازار

به پای آویخته سینه دریده

ولی صد مرغ بینی سر بریده

ازان بیزار گشتم این یقین است

وفای آدمی گر این چنین است

(عطار، ۱۳۸۷: ۳۲۵)

عطار در ادامه حاضر جوابی مرغ خانگی، عهد و وفای دنیا را نیز چون عهد و وفای آدمیان به مرغ خانگی جفا می خواند که چنین کاربردهایی نشان دهنده پیچیدگی استعاری حاضر جوابی‌ها در متون عرفانی است. در حکایتی دیگر از الهی‌نامه، حاضر جوابی «سوخته» (جامه سوخته که بر آن از سنگ و چقماق آتش گیرند) در برابر «آتش» در خدمت القای مفهوم عرفانی است که عطار درصدد گفتن آن است: «چو دل اینجا ز عشق او فروزی/کجا در آتش دوزخ بسوزی». چنین نمونه‌هایی نشان دهنده پیوند میان حاضر جوابی و تمثیل در متون عرفانی اند و از توانایی گوینده در برجسته کردن مضامین عرفانی از طریق گفتگوهای ظاهراً ساده حکایت دارند:

ز هر دو آتشی آمد پدیدار

چو سنگ و آهن افتادند در کار

زبان بگشاد آتش گفت «او کیست»؟

درآمد سوخته کز سوز می زیست

که «هستم آشنا ای یار دمساز»

جوابش داد آنجا سوخته باز

به تاریکی ترا چه آشنایی ست؟

پس آتش گفت «کارم روشنایی ست

که «تاریک از که ام آلا ز آتش»

جوابش داد، حالی، سوخته خوش

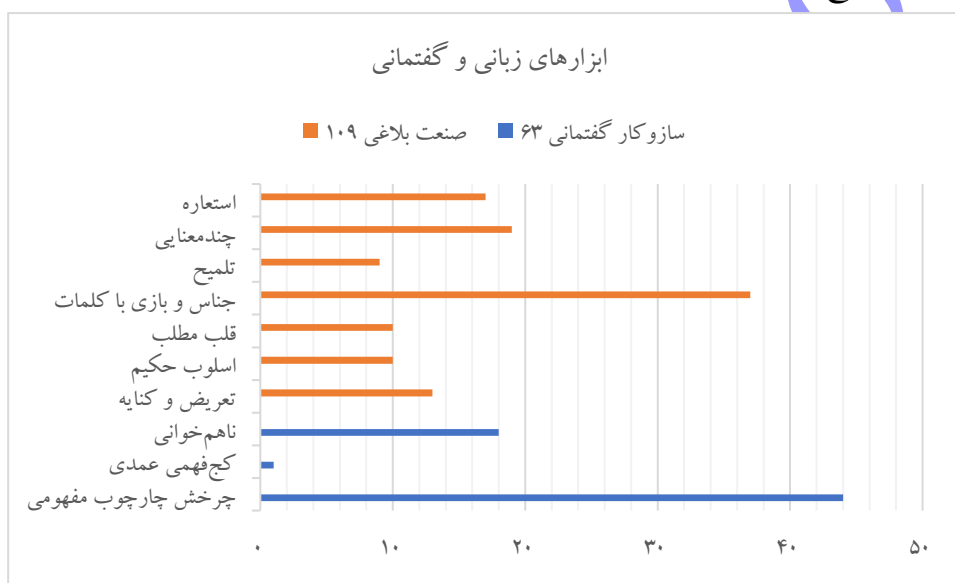
کنون گویی نداری آشنایی

مرا تو سوختی در روشنایی

(عطار، ۱۳۸۷: ۲۲۸)

۲-۴. ابزارهای زبانی و سازوکارهای گفتمانی حاضر جوابی‌ها

بعد دوم مدل چهاربعدی پیل و مولان به تحلیل ابزارهای زبانی اختصاص دارد و تأکید آن بر سازوکارهایی است که در شکل‌گیری و اثرگذاری حاضر جوابی به عنوان یک کنش گفتاری نقش ایفا می‌کنند. این بعد دو گروه عمده از ابزارها را شامل می‌شود: «صنایع بلاغی» و «راهبردهای گفتمانی». در تحلیل ابزارهای زبانی و سازوکارهای گفتمانی حاضر جوابی‌های عطار، داده‌ها نشان می‌دهند که صنایع بلاغی در ۱۰۹ مورد و راهبردهای گفتمانی در ۶۳ مورد به کار رفته‌اند. نمودار (۲) توزیع فراوانی این ابزارها را نمایش می‌دهد:



نمودار ۲. توزیع فراوانی سازوکارهای زبانی و گفتمانی در حاضر جوابی‌ها

ابزارهای زبانی در حاضر جوابی: بازی زبانی در حاضر جوابی از طریق به کارگیری ابزارهای بلاغی سستی، جذابیت بلاغی و زیبایی شناختی پاسخ را افزایش می‌دهد. در مجموعه داده‌ها، ۱۰۹ نمونه حاضر جوابی استفاده از چنین ابزارهایی را نشان می‌دهند که جناس با ۳۷ مورد (۲۰ درصد) رایج‌ترین آن‌ها است، به دنبال آن استعاره، کنایه و تکنیک‌های بلاغی مانند «قلب مطلب» و «اسلوب حکیم» قرار دارند. جناس‌ها که با اتکا به ابهام آوایی یا معنایی مشخص می‌شوند، به عنوان ابزار بلاغی غالب در حاضر جوابی‌های عطار ظاهر می‌شوند. به عنوان مثال، در حکایت زیر از الهی‌نامه، حاضر جوابی پیرزال در برابر سلطان محمود متکی بر جناس میان «مُلک» (دانه‌ای باشد بزرگتر از ماش و آن را پزند و خورند) و «مُلک» (پادشاهی) است:

جدا مانند او ز لشکر بر کناری

مگر محمود می‌شد در شکاری

ز جایی بر سرِ ده دود می‌دید

به نزدیکش یکی ده بود می‌دید

فرس می‌راند شه تا پیشِ آن زود	نشسته پیر زالی پیشِ آن دود
بدو گفت «آمدت مهمان خلیفه	چه آتش می‌کنی هان ای عفیفه!»
چنین دادش جواب آن زال آنگاه	که «خود را مُلک می‌جوشم من ای شاه»
شهنش گفتا «بگو ای زالِ عاجز	که مُلکم می‌دهی؟» گفتا «نه هرگز
که من مُلک از برای خویش جوشم	به مُلکت مُلکِ خود کی می‌فروشم
نیم مُلکِ ترا هرگز خریدار	که مُلکِ من به از مُلکِ تو صد بسیار
جهانی خصم دارد مُلکت از پس	مرا بی‌آن همه غم مُلکِ خود بس»

(عطارد، ۱۳۸۷: ۳۱۴)

البته بسیاری از حاضر جوابی‌ها در پیکره مورد برر سی، آمیزه غنی از چند صنعت بلاغی را نشان می‌دهند که به صورت توأمان بار زیبایی شناختی و به تبع آن میزان اثرگذاری حاضر جوابی را افزایش می‌دهند. در مثال زیر از یک سو، «تلمیح» حاضر جوابی را با طنین میان‌متنی غنی می‌کند و شنوندگان را به ایجاد ارتباط بین بافت گفتگوی در جریان و مفاهیم دینی گسترده‌تر دعوت می‌کنند، از سوی دیگر استعاره «الدنيا مزرعة الآخرة» نوعی جناس میان دو واژه «کشت» در حاضر جوابی عارف پدید آورده است. بر اساس این حکایت، وقتی مرد عاقل، عارفی را می‌بیند که در زمستان برف‌ها را می‌روبد و روی زمین دانه می‌پاشد، به طعنه می‌گوید:

غافل او را گفت «ای بس بی‌خبر	نیست وقتِ کشت، این نباید بپر
در چنین فصلی که کارد دانه‌ای؟	ور کسی کارد، بود دیوانه ای
مرد گفتش «اینچه گویم زشت نیست	کشت این است و جزین خود کشت نیست

(عطارد، ۱۳۸۶: ۴۰۸)

راهبردهای گفتمانی در حاضر جوابی: در حالی که بازی زبانی بر شکل متکی است، استراتژی‌های گفتمانی بر بازآرایی عملکردی معنا در حاضر جوابی‌ها تمرکز دارند. در مجموعه داده‌ها ۶۳ نمونه استفاده از استراتژی‌های گفتمانی را نشان می‌دهند. برجسته‌ترین راهبرد گفتمانی شناسایی شده، «چرخش چارچوب مفهومی» است. این راهبرد شامل تغییر

ناگهانی چارچوب مفهومی ایجاد شده توسط مخاطب است که ناهماهنگی شناختی ایجاد می‌کند و حل و فصل و بازتفسیر اطلاعات در یک چارچوب جدید به استنتاج‌ها و اثرات شناختی گوناگون می‌انجامد (Coulson, 2001). به عنوان مثال وقتی شیخ المشایخ در دعوت به نوعی دوئل معنوی به شیخ ابوالحسن خرقانی پیشنهاد می‌دهد: «بیا تا بدین تنور فروشویم تا زنده، کی برآید؟» خرقانی ضمن چرخش چارچوب مفهومی، هم طرف مقابل را منکوب می‌کند هم ارزش فنا را در مقابل کرامت بدو آموزش می‌دهد و با حاضر جوابی می‌گوید: «یا عبدالله بیا تا به نیستی خود فرو شویم تا به هستی او که برآید؟» (عطار، ۱۳۹۸: ۷۱۹).

دومین راهبرد پرتکرار، ناهمخوانی است که با ایجاد ناهماهنگی شناختی بین پیامدهای گفتمانی مورد انتظار و واقعی عمل می‌کند. این راهبرد با نظریه ناهمخوانی-حل^۱ همخوانی دارد (شیری، ۱۴۰۳: ۱۲۷) و نشان می‌دهد که حل ناهمخوانی یک فرآیند شناختی کلیدی در گفتمان صوفیه است. در مثال زیر بین پرسش سلطان محمود و پاسخ ایاز ناهمخوانی وجود دارد:

مگر سلطان دین محمود یک روز	ایازِ خاص را گفت «ای دل افروز
که را دانی تو از مه تا به ماهی	که از من بیش دارد پادشاهی؟
غلامش گفت ک «ای شاه جهاندار	منم در مملکت بیش از تو صد بار

(عطار، ۱۳۸۷: ۲۹۳)

اما این ناهمخوانی دستاویزی است برای عطار تا ذیل حاضر جوابی ایاز اهمیت دل را در سلوک عرفانی بیان کند. از این روست که ایاز وقتی شگفتی محمود را از پاسخ خود می‌بیند چنین استدلال می‌کند که:

اگرچه پادشاهی حاصل تست	و لیکن پادشاه تو دل تست
دل تو زیر دست این غلام است	مرا این پادشاهی خود تمام است

در مثالی دیگر، این ناهمخوانی چون با نوعی ترک ادب شرعی همراه است، از زبان دیوانه‌ای روایت می‌شود که استدلال کلامیون درباره قدرت خدا را برای رفع گرسنگی خود ناکافی می‌داند:

بود آن دیوانه دل برخاسته	وز غم بی‌نانی اش جان کاسته
می‌گریست از غم که یک نانش نبود	چون نبودش نان، غم جاننش نبود
آن یکی گفتش که «مگری، ای نژند!	کان خداوندی که این سقف بلند،
بی‌ستونی، در هوا بنهاد او	روزی تو هم تواند داد او»

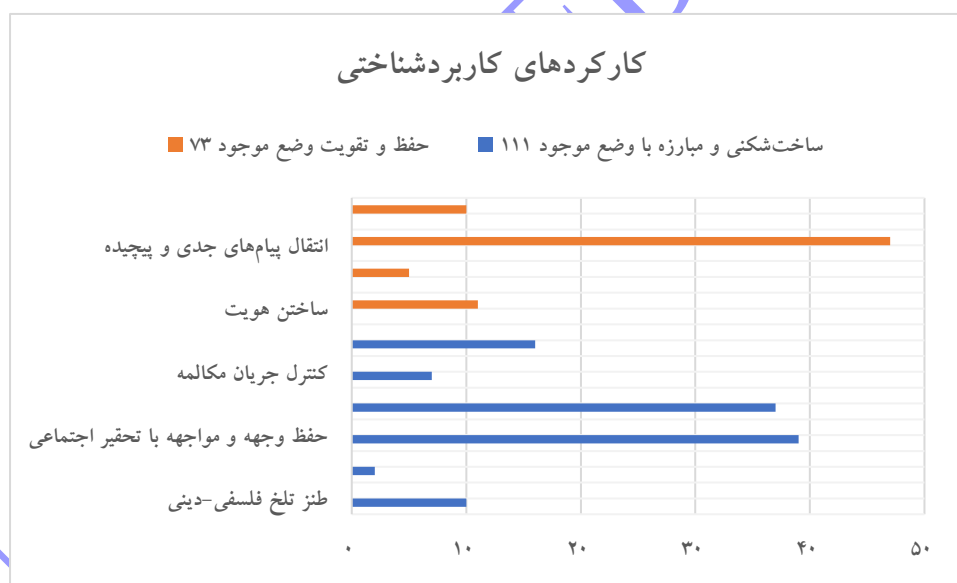
۱ . Incongruity-Resolution Theory

مرد مجنون گفت «ای کاش این زمان
از برای محکمی آسمان،
حق تعالی صد ستون بنهادی ای
بی زحیری نان من می دادی ای
نان خورش می باید و نانم، کنون
من چه دانم آسمان بی ستون.»

(عطار، ۱۳۸۶: ۳۱۲)

۳-۴. کارکردهای حاضر جوابی ها

بعد سوم مدل چهاربعدی بیل و مولان به کارکردهای کاربردشناختی حاضر جوابی، به عنوان ابزاری استراتژیک در تعاملات کلامی می پردازد. این بعد به بررسی اهداف بین فردی، اجتماعی و ایدئولوژیک حاضر جوابی می پردازد که به دستیابی به نتایج ارتباطی ظریف کمک می کند (Béal & Mullan, 2013). تحلیل ۱۸۴ نمونه حاضر جوابی در آثار عطار نشان داد که کارکردهای کاربردشناختی این پدیده به دو دسته کلی تقسیم می شوند: «ساختار شکنی و بازتعریف نظم اجتماعی» (۶۱٪ نمونه ها) و «حفظ و تقویت نظم اجتماعی» (۳۹٪ نمونه ها). نمودار ۳ توزیع فراوانی این کارکردها و زیرمجموعه های آن را نمایش می دهد:



نمودار ۳. توزیع فراوانی کارکردهای کاربردشناختی حاضر جوابی ها

۱) ساختار شکنی و بازتعریف نظم اجتماعی (۱۱۱ نمونه)

الف) حفظ وجهه و مقابله با تحقیر اجتماعی: برجسته ترین زیرمجموعه در این دسته شامل ۳۹ نمونه حاضر جوابی است که با هدف حفظ وجهه گوینده و مقابله با تحقیر اجتماعی بیان شده اند. در این موارد، حاضر جوابی به عنوان پاسخی استراتژیک به توهین، تمسخر یا تلاش برای کاهش شأن گوینده عمل می کند. با بهره گیری از هوش و نکته سنجی، گوینده موقعیت خود را بازتعریف و کرامت خود را حفظ می کند، اغلب مخاطب را خلع سلاح می نماید. برای مثال، در

یک نمونه، مجنونی در پاسخ به سرزنش کسی که از او می پرسد چرا همیشه سربرهنه ای با تغییری ظریف در ساختار زبانی، انتقاد وی را به سوی خود او بازمی گرداند و سطحی نگری او را افشا می کند:

گفت «سرپوشیده، زن باشد نه مرد این سؤال بد، که تو کردی، که کرد؟»

گفت «پایت از چه، باری، برهنه ست؟» گفت «ای احمق سری کو یک تنه ست،

چون برهنه می بود این سر مرا پای ازو نبود گرامی تر مرا»

(عطاری، ۱۳۸۶: ۲۹۸)

این نمونه ها نشان می دهند که چگونه حاضر جوابی می تواند به عنوان ابزاری برای بازپس گیری کنترل اجتماعی و روانی استفاده شود. در مثال دیگری فرد پرهیزگار، توهین مفتی را با حاضر جوابی پاسخ می دهد:

مفتی را دید آن پرهیزگار بر در سلطان نشسته روز بار

فتوی پی پرسید ازو مرد حلیم گفت «این چه جای فتوی ست ای سلیم؟»

مرد گفتش «بر در شاه و امیر هم چه جای مفتیانست ای خرده گیر؟»

(عطاری، ۱۳۸۶: ۳۲۰)

ب) نقد و اصلاح هنجارهای اجتماعی: 37 نمونه از حاضر جوابی ها در این دسته قرار می گیرند که نقش آن ها نقد اجتماعی است. این موارد اغلب دارای مضامین اخلاقی هستند و ناهنجاری ها یا رفتارهای سرکوبگرانه را هدف قرار می دهند. برای مثال در حکایت زیر وقتی دیوانه، جمجمه خری را بر سر چوبی در میانه پالیزگاهی می بیند و بقیه علت این کار را بازداشتن چشم بد اعلام می کنند، با حاضر جوابی و بذله گویی می گوید:

گر آنستی که این خر زنده بودی بسی زین کار خر را خنده بودی

شما را مغز خر داده ست ایام از آنید این سر خر بسته بر دام

نداشت او زنده، چوب از کون خود باز چگونه، مُرده، دارد چشم بد باز؟

(عطاری، ۱۳۸۵: ۱۸۸)

این نوع حاضر جوابی ها، به عنوان ابزاری اصلاح گر، نقشی حیاتی در تعاملات اجتماعی ایفا می کنند.

ج) تضعیف سلسله مراتب اجتماعی: در ۱۶ نمونه، حاضر جوابی به طور خاص برای زیر سؤال بردن ساختارهای قدرت و سلسله مراتب اجتماعی به کار رفته است. این موارد اغلب شامل افرادی از طبقات اجتماعی پایین تر است که با استفاده از حاضر جوابی، سلطه طبقات بالاتر را به چالش می کشند. در نمونه ای از این نوع، حاضر جوابی صوفی در برابر نظام الملک، او را از موقعیت برتر در آغاز مکالمه به حالت انفعال می رساند:

صوفی را دید یک روزی نظام در وفا و عهد و در صفوت تمام

گفت «از من هرچه می خواهی بخواه زانکه تو محتاجی و من پادشاه»

گفت «چون از حق نخواهم هیچ چیز از تو هم، الحق، نخواهم هیچ نیز»

(عطار، ۱۳۸۶: ۲۸۸)

حاضر جوابی صوفیان اغلب قدرت مادی و ساختارهای اجتماعی را به چالش می کشند و به مخاطب یادآوری می کنند که قدرت واقعی از معنویتی عمیق تر ناشی می شود. برای مثال، حاضر جوابی خرقانی، اقتدار سلطان محمود را زیر سؤال می برد:

چون محمود به زیارت شیخ آمد، رسول فرستاد که شیخ را بگویند که: «سلطان برای تو از غزنین بدینجا آمد، تو نیز برای او از خاقانه به خیمه او در آی». و رسول را گفت: «اگر نیاید این آیت برخوانید: قوله تعالی: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». رسول پیغام بگزارد. شیخ گفت: «مرا معذور دارید». این آیت بر او خواندند. شیخ گفت: «محمود را بگویند که چنان در اطیعوا الله مستغرقم که در اطیعوا الرسول خجالت ها دارم، تا به اولی الامر چه رسد» (عطار، ۱۳۹۸: ۷۱۹).

این نوع حاضر جوابی نشان دهنده قدرت حاضر جوابی در به چالش کشیدن روابط قدرت و بازتعریف موقت سلسله مراتب اجتماعی است.

۲. حفظ و تقویت نظم اجتماعی (۷۳ نمونه)

الف) انتقال غیرمستقیم پیام: در ۴۷ نمونه، حاضر جوابی به عنوان ابزاری برای انتقال پیام ها و مفاهیم پیچیده عرفانی در یک قالب تخفیف یافته عمل می کند. مثلاً حاضر جوابی مرد خاک بیز در حکایت زیر، مفهوم سرگردانی سالک در وادی طلب را بیان می کند؛ یعنی همچون آنان که خاک رهگذران را می جویند و می یزند تا شیئی قیمتی بیابند، سالک در سلوک چیزی را می طلبد که آن را گم نکرده است:

«چه می جویی تو گم ناکرده چیزی

چنین گفت آن یکی با خاک بیزی

نیابی چیزی گم ناکرده هرگز»

چو گم ناکرده می جویی تو عاجز

که گم ناکرده ای گر ندهم دست،

«عجب تر» گفت «زین چیزی دگر هست

بسی بیش است ازان اول که گفتمی»

بغایت می برنجم وین شگفتی

(عطار، ۱۳۸۷: ۴۰۴)

در نمونه ای دیگر، وقتی خرقانی به شخصی گفت: «کجا می روی؟». گفت: «به حجاز». گفت: «آنجا چه کنی؟». گفت: «خدای را طلب کنم». گفت: «خدای خراسان کجاست؟ که به حجاز می باید شد» (عطار، ۱۳۹۸: ۷۱۹).

ب) مدیریت تنش و حل تعارض: در ۱۸ نمونه، حاضر جوابی برای مدیریت تنش و جلوگیری از بروز تعارض استفاده شده است. این نوع حاضر جوابی به گویندگان اجازه می دهد مسائل حساس را بدون افزایش تنش حل کنند. به عنوان مثال، در گفتگویی میان سلطان محمود با سرکرده عمال خود که به جرم دزدی در شرف مجازات است، مأمور

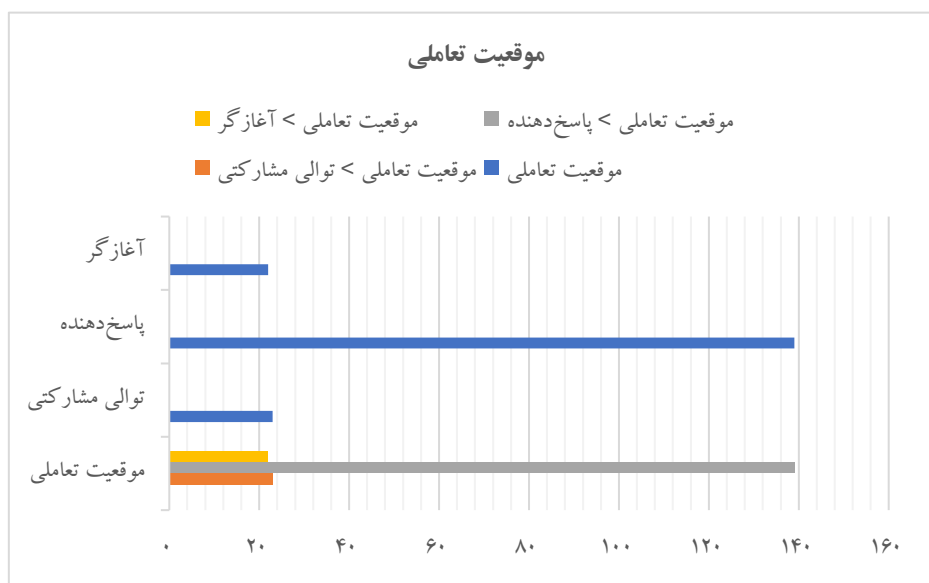
خائن با حاضر جوابی دل شاه را نرم و از بروز تنش جلوگیری می‌کند؛ لذا وقتی شاه علت خیانت وی را می‌پرسد چنین پاسخ می‌دهد:

گفت «بر پُشتی آن خوردم که شاه	مال دارد بی قیاس، این جایگاه
من ندارم هیچ، تو داری بسی	نیستی چون من تو محتاج کسی
چون بدان محتاج بودم خورده شد	کار بر پُشتی فضلّت کرده شد
گر ببخشی، می‌توانی، من کی‌م؟	ور بگیری، هم تو دانی من کی‌م؟

(عطار، ۱۳۸۶: ۲۰۵)

۴-۴. ساختار تعاملی حاضر جوابی‌ها

بعد تعاملی مدل چهار بعدی بیل و مولان به مطالعه نقش حاضر جوابی در نظام نوبت‌دهی مکالمات می‌پردازد. این بعد به بررسی پویایی‌های تعاملی در تعاملات کلامی می‌پردازد و نحوه گسترش و تحول حاضر جوابی‌ها در توالی‌های گفتگویی را تحلیل می‌کند (Attardo, ۱۹۹۴: ۲۹۳-۳۱۹). در این راستا، بعد تعاملی نه تنها به ماهیت پاسخ‌های حاضر جوابی، بلکه به موقعیت آن‌ها در جریان مکالمه و نوع گسترش تعاملی که ایجاد می‌کنند تمرکز دارد. در متون عرفانی، به‌ویژه آثار عطار نیشابوری، حاضر جوابی نه تنها به عنوان ابزاری بلاغی، بلکه به عنوان یک کنش زبانی عمیق برای انتقال مفاهیم فلسفی و اخلاقی به کار می‌رود. در این متون، حاضر جوابی می‌تواند هم مکالمه را به پایان برساند و هم به گسترش دیالوگ‌های پیچیده‌تر منجر شود، به‌ویژه در بافت‌های معنوی که هدف آن‌ها تشویق مخاطب به تأمل و تحول است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که حاضر جوابی‌ها در سه دسته تعاملی جای می‌گیرند: «پاسخ به نوبت پیشین»، «آغازگر مکالمه»، و «توالی‌های مشارکتی تو سعه یافته». همان‌گونه که در نمودار (۴) مشاهده می‌شود، پاسخ به نوبت قبلی با ۷۶٪ غالب‌ترین الگو است. این نتایج نشان‌دهنده تمایل متون عرفانی به استفاده از حاضر جوابی برای پاسخ‌های قاطع و کوتاه است که به‌طور مستقیم به نوبت قبلی متصل‌اند. در مقابل، حاضر جوابی‌های آغازگر مکالمه (۱۲٪) و توالی‌های تعاملی طولانی (۱۲٪) بیشتر در حکایات با زمینه‌های عرفانی-اخلاقی پیچیده‌تر ظاهر می‌شوند:



نمودار ۴. توزیع فراوانی ساختار تعاملی حاضر جوابی‌ها

(۱) **حاضر جوابی در پاسخ به نوبت قبلی (۱۳۹ نمونه/۷۶ درصد):** این نوع حاضر جوابی بیشترین سهم از داده‌های تحلیل شده را به خود اختصاص داده است. در این موارد، **حاضر جوابی به عنوان پاسخ مستقیم به نوبت اول مکالمه** بیان می‌شود و غالباً در جایگاه دوم یک جفت گفتار قرار می‌گیرد. این نوع حاضر جوابی معمولاً با هدف شکستن منطق یا استدلال گوینده اول، پاسخ به توهین، یا نشان دادن برتری کلامی صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، در یکی از حکایات مصیبت‌نامه، هارون الرشید موقع گذر از پلی وقتی می‌بیند بهلول در میانه راه نشسته با لحن تحقیرآمیزی به او می‌گوید پل چه جای نشستن است، بهلول نیز با حاضر جوابی قاطعانه و استفاده از استعاره «إِنَّمَا الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ، فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا» به او طعنه می‌زند که پس تو خود چرا بر روی پل دنیا توقف کرده‌ای و بدین ترتیب به شکلی نمادین اقتدار او را زیر سؤال می‌برد. این نوع حاضر جوابی‌ها در سنت بلاغی عربی تحت عنوان «الأجوبة المسكتة» یعنی «پاسخ خاموش کننده» مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نشان‌دهنده مهارت زبانی و تسلط فکری گوینده دوم هستند که معمولاً به پایان یافتن مکالمه و منکوب شدن گوینده اول منجر می‌شوند:

بود بهلول از شرابِ عشق مست بر سرِ راهی مگر بر پل نشست

می‌گذشت آن جایگاه هارون مگر او خوشی می‌بود پیش افکنده سر

گفت هارونش که «ای بهلول مست خیز از اینجا، چون توان بر پل نشست؟»

گفت «این با خویشتن گوی امیر تا چرا بر پل بماندی جای گیر؟»

جمله دنیا پل است و قنطره‌ست بر پل بنگر که چندین منظره‌ست

(عطار، ۱۳۸۶: ۳۰۲)

۲. **حاضر جوابی در آغاز مکالمه (۲۲ نمونه/ ۱۱ درصد):** در این موارد، حاضر جوابی در نوبت اول مکالمه و به عنوان آغاز گر یک دیالوگ صورت می گیرد. در یکی از نمونه های این نوع آمده است که صالح مری در مجالس وعظ خود همواره این جمله را تکرار می کرد «هر که دری کوبد، عاقبت باز شود». رابعه یک بار که در جلسه حاضر بود با حاضر جوابی می گوید: «تا کی گویی که: باز بخواهد گشاد. کی بسته است، [تا باز گشاید؟]». صالح با اظهار شگفتی از فراست رابعه می گوید: «عجبا! مردی جاهل و زنی ضعیفه دانا» (عطار، ۱۳۹۸: ۷۷). این نوع حاضر جوابی ها اغلب در واکنش به یک اتفاق یا موقعیت گفتمانی رخ می دهند و معمولاً با هدف دگرگون کردن دیدگاه ها و کلیشه های روزمره بیان می شوند. در دو نمونه از حاضر جوابی های میتنی بر بافت، شبلی به صداهایی که در محیط پیرامون خود می شنود واکنش هو شمندانانه ای نشان می دهد که هم مهارت زبانی وی را نشان می دهد هم حاوی مفاهیم عمیق عرفانی است که به طور شگفت آوری از مطاوی یک اتفاق روزمره و ساده سربرمی آورد. در مورد نخست نقل است که جنازه یی می بردند. یکی از پس می رفت و می گفت: «آه من فراق الولد». شبلی طپانچه بر سر زدن گرفت، و می گفت: «آه من فراق الاحد» (عطار، ۱۳۹۸: ۶۶۷) و در مورد دیگری نیز نقل است که یک روز در بغداد [می] رفت. فقّاعی آواز می داد: «لم یبق الا واحد» - جز یکی باقی نماند - شبلی نعره بزد و می گفت: «هل یبقی الا واحد؟» (عطار، ۱۳۹۸: ۶۷۵). در یکی از حکایات اسرارنامه، عارفی وقتی می بیند کسی در حال زدن گربه ای است که بریانی را از سر سفره وی ربوده است با بداهه گوئی و بیان استعاره ای به او می گوید به جای گربه سگ طبع حریصش را تنبیه کند که به خاطر اندکی غذا در پی گربه ای افتاده است. این حاضر جوابی به تأمل اخلاقی شنونده منجر می شود. این نوع حاضر جوابی ها معمولاً واکنش هایی همچون همدلی، تفکر یا پرسش بیشتر را در مخاطب ایجاد می کنند:

مگر آن گربه در بریانی آویخت	ربود از سفره بریانی و بگریخت
یکی شد تا ز پیشش ره بگیرد	مگر آن گربه را ناگه بگیرد
عزیزی آن بدید از دور ناگاه	که می زد گربه را آن مرد در راه
بدو گفت «ای ز دل رفته قرار	بافتاده ست با این گربه کارت؟
تو آن سگ را زن، ای سگ طبع ناساز!	که بریانی ستاند گربه را باز»

(عطار، ۱۳۸۵: ۲۱۰)

۳. **حاضر جوابی در توالی های تعاملی طولانی (۲۳ نمونه/ ۱۳ درصد):** نوع سوم حاضر جوابی شامل تعاملات چندنوبتی است که در آن گوینده و شنونده در طول چندین نوبت به تبادل حاضر جوابی های متقابل می پردازند. این نوع تعاملات معمولاً به گفتگوهای طولانی تر و مشارکت های پیچیده تر منجر می شود که در آن هر دو طرف تلاش می کنند با هر نوبت، حاضر جوابی بهتری ارائه دهند. یکی از نمونه های برجسته از این نوع در مصیبت نامه، گفتگوی میان یک

«نصربن احمد سامانی و محتسب» است که طی آن الیاس محتسب، در هر نوبت با نکته‌سنجی و ظرافت زبانی، معنای عمیق‌تری را ارائه می‌دهد و نصربن احمد نیز با پاسخ‌های هوشمندانه خود، تلاش می‌کند او را منکوب کند اما چنان مقهور قدرت حاضر جوابی محتسب می‌شود که عطار در پایان گفتگو می‌گوید: «نصربن، حالی، توبه کرد و بازگشت/ ترک شاهی گفت و اهل راز گشت». این نوع حاضر جوابی‌ها حاوی لایه‌های معنایی متعدد هستند و اغلب به گسترش مکالمه در راستای تحلیل موضوعات معنوی یا اخلاقی منجر می‌شوند:

گفت «ای الیاسکِ شوریده دین»!	گفت «ای نصربک! چه افتاده ست هین»؟
گفت «این حسبت که فرمودت بگو»!	گفت «این شاهی ز که بودت؟ بگو»!
گفت «از امر امیر المؤمنین»	گفت «آن من ز رب العالمین»
گفت «گوی، می‌نترسی ذره ای»	گفت «از عالم منم وین ذره ای»
نه طمع دارم به کس هرگز دمی	نه مرا در چشم آید عالمی
نه ز کشتن باشدم یک ذره بیم	نه بترسم از بلا، چون تو سلیم
گر کسی خون ریزد و خون راندم	خوش بود کان خون به حق برساندم
خون ترا چون سویی حق رهبر بود	در جهان چیزی ازین بهتر بود؟
مشک، هم خوش هم نکو، آید ترا	زانکه بوی خون ازو آید ترا»
نصربن را، الحق، خوش آمد گفتنش	محو شد از گفت او آشفتنش
گفت «شادم کردی، اکنون، شاد باش!»	حاجتی خواه از من و آزاد باش»
گفت «من حاجت ندارم بیش و کم»	گفت «البته بیاید خواست هم»
بر کنار حضرت شاه شریف	بود استاد غلامی بس ضعیف
کرد شیخ الیاس سوی او نگاه	گفت «حاجت زوست نه از پادشاه»
نصربن گفتا «پیش چون من شهریار	زو چه خواهی حاجت؟ آخر، شرم دار»
گفت «بس من شرم دارم این زمان	کز تو خواهم با خداوند جهان»

(عطار، ۱۳۸۶: ۲۸۲)

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با بهره‌گیری از مدل چهاربعدی بیل و مولان (۲۰۱۳) و با رویکردی ترکیبی (کیفی-کمی)، تحلیلی چندوجهی از حاضر جوابی در گفتمان صوفیانه عطار نیشابوری ارائه داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حاضر جوابی در این متون، فراتر از یک ابزار بلاغی صرف، کنشی کاربردشناختی با کارکردهای چندلایه است. در بُعد «تعامل گوینده/هدف/شنونده»، غلبه حاضر جوابی‌های شنونده‌محور (۴۷٪) و موضوع‌محور (۳۹٪) بر گوینده‌محور (۱۴٪) نشان‌دهنده کارکرد این پدیده در مواجهه مستقیم با شنونده و تعلیم مفاهیم عرفانی-اخلاقی است. همچنین، بیان ۵۷٪ حاضر جوابی‌ها توسط گویندگان فرودست، بر نقش این پدیده در نقد ساختارهای قدرت و تضعیف سلسله‌مراتب اجتماعی تأکید دارد. در بُعد «سازوکارهای زبانی»، ترکیب صنایع بلاغی سنتی (۶۰٪) و راهبردهای گفتمانی (۳۴٪) نشان‌دهنده غنای زیبایی‌شناختی حاضر جوابی‌ها در متون عرفانی برای ساخت معنا و تأثیرگذاری شناختی بر مخاطب است. یافته‌ها از منظر بُعد «کارکردهای کاربردشناختی» نشان می‌دهد که حاضر جوابی در گفتمان صوفیانه عطار، عمدتاً به عنوان ابزاری برای به چالش کشیدن ساختارهای اجتماعی موجود (۶۰,۷٪) عمل می‌کند، اما همزمان نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی و انتقال مفاهیم پیچیده عرفانی (۳۹,۳٪) ایفا می‌کند. در نهایت، یافته‌ها در بُعد «ساختار تعاملی» نشان می‌دهد که غلبه حاضر جوابی‌های واکنشی (۷۶٪) بر آغازگر (۱۱٪) و توالی‌های مشارکتی (۱۳٪) بر ماهیت واکنشی و توانایی حاضر جوابی در ایجاد مبارزات کلامی و درگیری‌های فکری و معنوی در گفتمان عرفانی تأکید دارد.

۶. منابع و مآخذ

- ابن ابی عون (۱۹۹۶). *الأجوبة المسکته*. تحقیق می‌أحمد یوسف. چاپ اول. قاهره: عین للدراسات والبحوث الانسانیة والاجتماعیة.
- ابن الجوزی (۲۰۰۳). *أخبار الأذکیاء*. چاپ اول. بیروت: دار ابن حزم.
- ابن عبد ربّه، أحمد بن محمد (۱۴۰۴هـ). *العقد الفريد*. جلد چهارم. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۸). «مجموعه‌ای از حکایات حاضر جوابی از متون کهن "مستجمع الاجوبة الحاضرة" عباسقلی خان سپهر (۱۳۴۱ ق)». مقالات و رسالات تاریخی. شماره ۷. صفحات ۵۴۰-۵۲۱.
- الزمخشري، أبو القاسم محمود بن عمرو (۱۹۹۲). *ربیع الأبرار ونصوص الأخبار*. تحقیق عبد الأمير مهنا. چاپ اول. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- شیری، قهرمان. (۱۴۰۳). عوامل طنزآفرین و انواع اصلی طنز. *مطالعات زبانی و بلاغی*. ۱۵ (۳۶). ۱۱۹-۱۵۲.
- عطار، فریدالدین (۱۳۸۴). *منطق الطیر*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات م. شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۵). *اسرارنامه*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات م. شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۶). *مصیبت‌نامه*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات م. شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

- _____ (۱۳۸۷). *الهی نامه*. ویراست سوم. مقدمه، تصحیح و تعلیقات م. شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۸). *تذکره الاولیاء*. دو جلد. مقدمه، تصحیح و تعلیقات م. شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- فاعور، منیره محمد (۲۰۱۴). «الحضور البلاغی فی الأجوبة المسکته: الإيجاز، الکنايه، حسن التعليل، الاقتباس». التراث العربی. شماره های ۱۳۵-۱۳۴. صفحات ۴۲-۱۱.
- قاسم، محمد عبدالله (۲۰۱۷). «ذکاء البیان فی الأجوبة المسکته فی التراث العربی». المعرفة. شماره ۶۴۸. صفحات ۸۹-۷۳.
- قدوری، محمد (۲۰۱۸). «الأجوبة المسکته فی الأدب العربی القديم». مجلة الحقيقة. شماره ۱۷(۱). صفحات ۲۳۳-۲۱۱.
- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۷۴). *زیباشناسی سخن پارسی*. تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.
- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح (۱۳۷۶). *انوار البلاغة*. به کوشش محمدعلی غلامی نژاد. چاپ اول. تهران: دفتر میراث مکتوب.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۳). *بدیع ازدیدگاه زیبایی شناسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

Attardo, S. (1994). *Linguistic theories of humor*. Mouton de Gruyter.

Béal, C., & Mullan, K. (2013). Issues in conversational humour from a cross-cultural perspective: Comparing French and Australian corpora. In B. Peeters, K. Mullan, & C. Béal (Eds.), *Cross-culturally speaking, speaking cross-culturally* (pp. 107-139).

Béal, C., & Mullan, K. (2017). The pragmatics of conversational humour in social visits: French and Australian English. *Language & Communication*, 51, 1-12.

Brown, P., & Levinson, S. C. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge University Press.

Dynel, M. (2009). Beyond a joke: Types of conversational humour. *Language and Linguistics Compass*, 3(5), 1284-1299.

Goddard, C. (2009). Not taking yourself too seriously in Australian English: Semantic explications, cultural scripts, corpus evidence. *Intercultural Pragmatics*, 6(1), 29-53.

Goffman, E. (1981). *Forms of talk*. University of Pennsylvania Press.

Grothe, M. (2005). *Viva la repartee: Clever comebacks and witty retorts from history's great wits and wordsmiths*. HarperCollins.

Hay, J. (2001). The pragmatics of humor support. *Humor: International Journal of Humor Research*, 14(1), 55-82.

Holmes, J., & Marra, M. (2002). Over the edge? Subversive humour between colleagues. *Humor: International Journal of Humor Research*, 15(1), 65-87.

Kotthoff, H. (2006). Pragmatics of performance and the analysis of conversational humor. *Humor: International Journal of Humor Research*, 19(3), 271-304.

Norrick, N. R. (2003). Issues in conversational joking. *Journal of Pragmatics*, 34(10), 1341-1359.

References

Ibn Abi 'Awn. (1996). *Al-Ajwibah al-Muskatah* [Silencing responses] (M. A. Yusuf, Ed.). 'Ayn lil-Dirasat wal-Buhuth al-Insaniyah wal-Ijtima'iyah. [In Arabic]

Ibn al-Jawzi, A. F. (2003). *Akhbar al-Adhkiya'* [Stories of the clever] (1st ed.). Dar Ibn Hazm. [In Arabic]

Ibn 'Abd Rabbih, A. M. (1984). *Al-'Iqd al-Farid* [The unique necklace] (Vol. 4, 1st ed.). Dar al-Kutub al-'Ilmiyah. (Original work published 1404 AH). [In Arabic]

Ja'farian, R. (2019). A collection of witty anecdotes from classical texts: "Mustajma' al-Ajwibah al-Hazirah" by Abbas Qoli Khan Sepehr (1341 AH). *Maqalat va Resalat-e Tarikhi*, (7), 521–540. [In Persian]

Al-Zamakhshari, A. Q. M. I. (1992). *Rabi' al-Abrar wa Nusus al-Akhbar* [Spring of the righteous and texts of news] ('A. A. Mahna, Ed., 1st ed.). Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. [In Arabic]

Shiri, Q. (2025). Humor-generating factors and main types of humor. *Studies in Language and Rhetoric*, 15(36), 119–152. [In Persian]

Attar, F. (2005). *Mantiq al-Tayr* [The conference of the birds] (M. Shafi'i Kadkani, Ed.). Sokhan. [In Persian]

Attar, F. (2006). *Asrar-Nameh* [The book of secrets] (M. Shafi'i Kadkani, Ed.). Sokhan. [In Persian]

Attar, F. (2007). *Mosibat-Nameh* [The book of affliction] (M. Shafi'i Kadkani, Ed.). Sokhan. [In Persian]

Attar, F. (2008). *Elahi-Nameh* [The book of divine] (3rd ed.; M. Shafi'i Kadkani, Ed.). Sokhan. [In Persian]

Attar, F. (2019). *Tadhkirat al-Awliya'* [Memorial of the saints] (Vols. 1–2; M. Shafi'i Kadkani, Ed.). Sokhan. [In Persian]

Fa'ur, M. M. (2014). The rhetorical presence in silencing responses: Conciseness, metaphorical expression, sound reasoning, and quotation. *Al-Turath Al-Arabi*, 134–135(11), 4–42. [In Arabic]

Qasim, M.A.(2017). The intelligence of eloquence in silencing responses in Arabic heritage. *Al-Ma'rifah*, 56(648), 73–89. [In Arabic]

Qadduri, M. (2018). *Silencing responses in classical Arabic literature*. *Al-Haqiqah**, 17(1), 211–233. [Arabic]

Kazazi, M. J. (1995). *Zibashanasi sokhan-e parsi* [Persian literary aesthetics]. Nashr Markaz. [Persian]

Mazandarani, M. H. ibn M. S. (1997). *Anwar al-balaghah* [Lights of eloquence] (M. A. Gholami-Nejad, Ed.; 1st ed.). Daftar-e Mirath-e Maktub. [In Persian]

Vahidian Kamyar, T. (2004). *Badi' az didgah-e zibayi-shenasi* [Figures of speech from an aesthetic perspective]. SAMT. [In Persian]

UNCORRECTED PROOF